خبر

توصیه آیت‌الله نوری همدانی به حفظ وحدت ملی

آیت الله حسین نوری همدانی از مراجع تقلید در پیامی با قدردانی از حضور آگاهانه مردم در صحنه خطاب به ایشان تأکید کرد: مردم عزیز ایران اسلامی، این ایام که دشمنان ملت ایران با تمامی قوای خود وارد جنگ عیان شده‌اند، شما با درخشش بی‌نظیر نام خود را به‌عنوان یکی از بهترین امت‌ها ثبت نموده‌اید و سخن امام راحل و عظیم‌الشأن را که فرمود:«مردم ما از مردم صدر اسلام بهترند» و اینکه رهبر شهید از مبعوث شدن شما مردم بشارت داد، به‌طور کامل عیان کرده‌اید. امروز فرزندان شما مردم در نیروهای مسلح توانستند با این وحدت شما و حمایت یکپارچه از مقام معظم رهبری «دامت برکاته»، دشمن را به زانو در آوردند و آن ابهت دروغین آمریکا جنایتکار را درهم بشکنند و دشمن صهیونیست را به ذلت بکشانند. در این پیام آمده است: این را بدانید که هر کسی بخواهد این وحدت شما را هدف قرار دهد، خواسته یا ناخواسته در زمین دشمن است. اینجانب به‌عنوان یک طلبه از حوزه علمیه قم قدردان این حضور آگاهانه شما مردم عزیز هستم و از شما می‌خواهم تا رفع این فتنه امریکایی و صهیونیستی این حضور را حفظ کنید و همچنین از نیروهای مسلح، مسئولان کشور، به‌ویژه قوای سه گانه و خصوصاً دولت و رئیس جمهور محترم که بطور شبانه روزی مشغول خدمت هستند، حمایت کنید.در انتهای پیام آمده است: اینجانب سخنی با نیروهای مسلح، اعم از ارتش و سپاه عزیز خصوصاً نیروی هوا و فضا دارم (و آن اینکه) این ملت در کنار شماست و این حضور برای قدردانی و حمایت شماست و بنده نیز اگر چنین قابلیتی را داشته باشم، دعاگوی همیشگی شما هستم.

کنایه قالیباف به پیروزی‌های خیالی ترامپ

محمدباقرقالیباف دیروز یکشنبه (۱۶فروردین ماه) در حساب کاربری خود در شبکه ایکس در واکنش به اعلام پیروزی ترامپ در پی عملیات مفتضحانه این کشور با انتشار تصویری از لاشه سوخته هواپیماهای آمریکایی نوشت: اگر آمریکا سه پیروزی دیگر مثل این به دست بیاورد، کاملا نابود خواهد شد.

یادداشت

مهدی حسنی/نویسنده و پژوهشگر

بگذارید ترامپ سخن بگوید!

تا سیه روی شود هرکه دراو غش باشد..

ما امروز به حول و قوه الهی در نقطه‌ای از تاریخ ایستاده‌ایم که انقضای حرفها و مواضع رؤسای جمهور آمریکا که روزگاری در جهان تعیین کننده بود و اقتصاد، سیاست یا حتی افکار جوامع بین‌الملل را تحت تاثیر قرار می‌داد به سر رسیده.. و ترامپی که آنقدر از این ابزار بهره می‌برد که به او «انسان رسانه» می‌گفتند، در ذلت و ناتوانی وامانده است.این صدای شیطان، در تقابل با قدرت ایران اسلامی، اکنون دیگر فارغ از واقعیت، خیالات و رویاهای خامش را در اکانت توئیتر و پشت تریبون سخنرانی‌هایش نشخوار می‌کند. البته امثال او مسبوق به سابقه‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید:وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الحَيَاةِ الدُّنيا وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ

لابه‌لای مردم، منافقهایی هستند که از ظاهر و محتوای حرفهایشان دربارهٔ زندگی خوب در دنیا، خوشت می‌آید. تازه، خدا را بر چیزی که در دل دارند، شاهد می‌گیرند! اتفاقاً آن‌ها دشمن سرسختِ اسلام‌اند. (بقره / آیه ۲۰۴)

هرچند امروز دیگر هیمنه‌ی پوشالی‌اش فروریخته و سِحر این جادوگر پیر با عصای ملت مبعوث ایران باطل شده است. حضور میدانی، استقامت تاریخی، حمایت از حملات کوبنده قوای مسلح و از همه بالاتر ولایت پذیری و پشتیبانی از رهبر عزیز و خونخواهی رهبر شهید کاری کرده که سخنان «ترامپ» نه تنها بی‌اثر شده بلکه هرچه بیشتر می‌گوید کمتر باور پذیر است و رسوایی اهداف مخرب او در رابطه با ایران و جهان را در پی دارد.کسی که مدت‌ها تلاش می‌کرد با تصاحب جایزه صلح نوبل، خود را طرفدار صلح و آزادی نشان دهد و به ایرانیان وعده کمک می‌داد، حالا تهدید می‌کند که ایران را به عصر حجر باز می‌گرداند و دستور به نابودی زیرساخت‌ها، دانشگاه‌ها، انستیتوها، مدارس و حتی پل‌ها و سازه‌های شهری و.. می‌دهد، که تمام این‌ها گواه بر زوال او و نابودی واقعی این فرعون جاه‌طلب و خودشیفته است.اگر جنگ رمضان تنها همین یک دستاورد را داشته باشد، باید گفت پیروزی بزرگی اتفاق افتاده که بسیار جای شکر دارد.

لکن ترامپ قمار باز!

باش تا صبح دولتت بدمد

کاین هنوز از نتایج سَحر است..

روایت کامل یک عملیات نافرجام آمریکایی از انهدام جنگنده تا فروپاشی زنجیره نجات

فرومانده در گِل

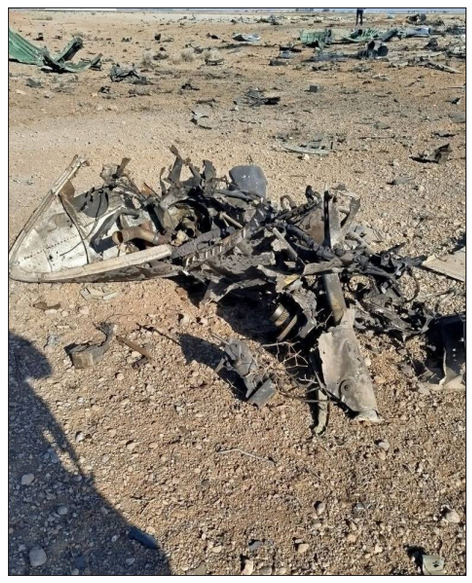

درگیری‌های روزهای ۱۴ تا ۱۶ فروردین، به‌سرعت به یکی از پیچیده‌ترین و معنادارترین صحنه‌های تقابل مستقیم میان ایران و ایالات متحده در سال‌های اخیر تبدیل شد صحنه‌ای که در آن، نه‌تنها یک جنگنده ساقط شد، بلکه یک دکترین کامل عملیاتی آمریکا زیر سؤال رفت.این گزارش، روایتی مرحله‌به‌مرحله از رخدادی است که از لحظه انهدام یک جنگنده آغاز شد و به شکست چندلایه یکی از پیشرفته‌ترین عملیات‌های نجات رزمی جهان انجامید.

نقطه آغاز؛ انهدام جنگنده و شکستن «هیمنه هوایی»

جمعه ۱۴ فروردین، پایگاه خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد که دومین جنگنده پیشرفته آمریکایی از اسکادران «Lakenheath» در آسمان مرکزی ایران هدف قرار گرفته و منهدم شده است. به‌گفته منابع رسمی، این جنگنده از نوع F-15 E سری بوده؛ جنگنده‌ای که یکی از ستون‌های اصلی قدرت تهاجمی نیروی هوایی آمریکا است.در همان ساعات اولیه، رسانه‌های منطقه‌ای و غربی از جمله CNN گزارش‌هایی منتشر کردند که نشان می‌داد این حادثه نه یک ادعا، بلکه یک بحران واقعی برای واشنگتن است. اطلاعات تکمیلی حکایت از آن داشت که خدمه جنگنده موفق به «ایجکت» شده‌اند یعنی سناریویی که بلافاصله یک زنجیره پیچیده نجات را فعال می‌کند.تقریباً همزمان، سقوط یک فروند پرنده A-10 در نزدیکی خلیج فارس نیز گزارش شد؛ هواپیمایی که به‌طور سنتی برای پشتیبانی نزدیک و عملیات در محیط‌های پرخطر طراحی شده است. همزمانی این دو حادثه، نشانه‌ای واضح از آن بود که آمریکا با یک «اختلال عملیاتی گسترده» مواجه شده است.

لحظه بحرانی؛ خلبانان روی زمین، فشار بر پنتاگون

در دکترین نظامی آمریکا، سقوط یک جنگنده در خاک دشمن به‌معنای آغاز فوری عملیات RASC (Rescue and search combat) برای نجات است؛ عملیاتی که هدف آن، بازیابی خلبانان پیش از دستگیری یا کشته شدن است.در این مورد، گزارش‌ها حاکی از آن بود که یکی از خدمه نجات یافته، اما سرنوشت خلبان دوم نامشخص باقی مانده است. این وضعیت، فشار سنگینی بر فرماندهی نظامی آمریکا وارد کرد؛ چرا که باقی ماندن یک خلبان در خاک دشمن، هم تهدید اطلاعاتی و هم ضربه حیثیتی محسوب می‌شود.

ورود به میدان؛ فعال‌سازی دکترین نجات رزمی آمریکا

در پاسخ، ارتش آمریکا یکی از پیشرفته‌ترین و پرهزینه‌ترین سناریوهای عملیاتی خود را فعال کرد؛ زنجیره‌ای که معمولاً تنها در حساس‌ترین مأموریت‌ها به‌کار گرفته می‌شود.این زنجیره شامل هواپیمای فرماندهی و پشتیبانی Hercules CH-310 برای هدایت عملیات، بالگردهای ویژه Black Hawk UH-60 برای نفوذ و بازیابی، پهپادهای شناسایی و پشتیبانی اطلاعاتی، هواپیماهای سوخت‌رسان و پوشش اطلاعاتی و الکترونیکی چندلایه بود.این ترکیب، به‌عنوان «ستون فقرات» دکترین نجات آمریکا شناخته می‌شود؛ مدلی که در جنگ‌های عراق و افغانستان بارها موفق عمل کرده بود. اما این‌بار، میدان عملیاتی کاملاً متفاوت بود.

نقطه عطف؛ کشف، رهگیری و انهدام همزمان

بر اساس بیانیه‌های رسمی سپاه و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، نیروهای ایرانی با رصد دقیق تحرکات هوایی، توانستند این زنجیره را پیش از رسیدن به هدف شناسایی کنند.در جنوب استان اصفهان، جایی که به‌عنوان نقطه اجرای عملیات انتخاب شده بود، آنچه رخ داد، یک درگیری کلاسیک نبود؛ بلکه یک «شکار شبکه‌ای» بود که یادآور رسوایی طبس شد.

نتیجه عملیات تا زمان نوشتن این گزارش بدین شرح بود:

- انهدام ۲ فروند هواپیمای CH-310 / C-310
- سرنگونی ۲ فروند بالگرد Black Hawk
- نابودی یک هواپیمای سوخت‌رسان

خروج چند پهپاد از چرخه عملیاتی

این بدان معنا بود که نه‌فقط یک یا دو پرنده، بلکه کل معماری عملیات نجات آمریکا به‌طور همزمان از کار افتاده است.

ورود بازیگران جدید؛ پلیس، بسیج و جنگ چندلایه

یکی از ابعاد مهم این درگیری، مشارکت طیف گسترده‌ای از نیروها بود. برخلاف تصور رایج از جنگ‌های مدرن، این عملیات صرفاً توسط یک شاخه نظامی انجام نشد.طبق گزارش‌ها یگان‌های هوافضای سپاه، نقش اصلی در رهگیری هوایی داشتند، نیروی پدافند هوایی ارتش، پوشش شبکه‌ای را تکمیل کرد، یگان‌های زمینی و بسیج، کنترل محیطی را بر عهده گرفتند و حتی یگان‌های ویژه فراجا در انهدام برخی پرنده‌ها نقش مستقیم داشتند.این ترکیب، نشانه‌ای از فعال بودن یک «دکترین دفاعی شبکه‌محور» در ایران است؛ مدلی که هدف آن، پوشش کامل میدان نبرد از آسمان تا زمین است.

شکست نهایی؛ عملیات نجات به یک دام تبدیل شد

در نهایت، آنچه قرار بود یک عملیات نجات سریع و دقیق باشد، به یک «دام عملیاتی» تبدیل شد. آمریکا نه‌تنها موفق به نجات کامل خلبانان نشد، بلکه بخشی از مهم‌ترین دارایی‌های هوایی خود را از دست داد.سخنگوی قرارگاه خاتم‌الانبیا این رخداد را با شکست تاریخی آمریکا در عملیات طبس مقایسه کرد؛ با این تفاوت که این‌بار، عامل شکست نه شرایط طبیعی، بلکه «برتری تاکتیکی و اطلاعاتی» طرف مقابل بود.

اعتراف از درون؛ وقتی تحلیلگران آمریکایی عقب‌نشینی می‌کنند

اظهارات لری جانسون افسر سابق سیا، نقطه عطفی در روایت این ماجرا بود. او صراحتاً اعلام کرد: مشکل اصلی، «اعتماد به نفس کاذب» ارتش آمریکا بوده است.وی همچنین به ناکارآمدی سامانه‌های دفاعی اشاره کرد و مدعی شد که بخش عمده‌ای از حملات ایران بدون رهگیری مؤثر عبور می‌کنند؛ موضوعی که اگر درست باشد، نشان‌دهنده شکاف جدی در ساختار دفاعی آمریکاست.در سطح رسانه‌ای، شبکه NBC گزارش داد که سرنگونی جنگنده آمریکایی دقیقاً در زمانی رخ داده که دونالد ترامپ مدعی شده بود «ایران نابود شده است.» این تناقض، به‌خوبی شکاف میان «روایت سیاسی» و «واقعیت میدانی» را نشان می‌دهد؛ شکافی که در بحران‌های نظامی، می‌تواند به‌سرعت به بحران اعتبار تبدیل شود.

رسوایی؛ فراتر از یک درگیری

آنچه در این چند روز رخ داد، دارای پیام‌هایی فراتر از میدان نبرد است.آمریکا نشان داد که حتی پیچیده‌ترین عملیات‌هایش در محیطی مانند ایران، تضمین موفقیت ندارند و عملیاتی که سال‌ها به‌عنوان نقطه قوت ارتش آمریکا شناخته می‌شد، در برابر یک شبکه یکپارچه، به پاشنه آشیل تبدیل شد.این رخداد نشان داد که «شبکه‌سازی دفاعی ایران» می‌تواند بر «برتری تکنولوژیک» غلبه کند. ایران با این عملیات، نه‌فقط یک پاسخ نظامی، بلکه یک پیام راهبردی ارسال کرد: آسمان کشور، یک منطقه پرهزینه برای هرگونه مداخله است. در نهایت، این ماجرا را باید نه یک حادثه، بلکه «نقطه عطف» دانست؛ جایی که یک جنگنده سقوط کرد، یک عملیات شکست خورد، و یک روایت جهانی از برتری نظامی، به‌طور جدی به چالش کشیده شد.

برش

حمله سنگین سپاه به زیرساخت‌های پتروشیمی و انرژی دشمن

روابط عمومی سپاه روز گذشته اعلام کرد: به دنبال حمله دشمن صهیونی آمریکایی به پل بی۱ کرج و صنایع پتروشیمی ماهشهر، علاوه بر عملیات نیروهای سپاه علیه اهداف خاص نظامی، عملیات تلافی جویانه ای در پاسخ به این تجاوز آشکار در موج ۹۶ عملیات وعده صادق ۴ با رمز مقدس یارقیه (س) و تقدیم به همه دختر بچه های شهید در دستور کار قرار گرفت.طی این عملیات مشترک نیروهای دریایی و هوافضای سپاه، تا صبح دیروز مرحله اول پاسخ به این تجاوز با به آتش کشیدن اهداف صهیونی در سرزمین‌های اشغالی و منافع اقتصادی آمریکا در کشورهای منطقه به شرح زیر اقدام شد:

۱. حمله سنگین به پالایشگاه تأمین کننده سوخت جنگنده‌های کودک‌کش رژیم صهیونی در حیفا که منجر به تخریب بخش‌های اصلی آن گردید.

۲. حمله به تأسیسات گازی اِکسان، مُوبیل و شِوْرون آمریکایی مستقر در حبشان امارات

۳. حمله موشکی به پتروشیمی آمریکایی تولید کننده مواد سوختی نیروهای مسلح آمریکا و محصولات نظامی رژیم صهیونیستی مستقر در اَلرُّوِیس امارات و آتش‌سوزی گسترده در آن.

۴. حمله سنگین پهپادی به پتروشیمی آمریکایی سیتره بحرین منجر به آتش‌سوزی گسترده و انهدام بخش‌های مهم این صنعت که در تولید مشتقات نفتی مورد نیاز ارتش آمریکا نقش دارد.

۵. حمله به تأسیسات آمریکایی پتروشیمی شعیبه کویت که منجر به آتش‌سوزی خیلی وسیع و توقف کامل این مجموعه همکار نیروهای مسلح آمریکا گردید.

در ادامه بیانیه سپاه آمده است: دشمن که در جبهه‌های جنگ امنیتی ، دریایی و زمینی شکست خورده و جرأت هیچ کاری ندارد و در عرصه هوایی هم با سقوط پی‌درپی پرنده‌ها و پهپادهای او ادعاهای سلطه بر فضای ایران را باطل و او را رسوا کرده است، برای سرپوش گذاشتن بر شکست‌های خود در میدان به تهاجم به اهداف غیرنظامی پناه برده است، باید بداند در پاسخ به تجاوز به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران، آنچه امروز رخ داد تنها مرحله نخست از پاسخی بود که از پیش هشدار آن را داده بودیم او با اصرار بر حماقت خود و تجاوز به تأسیسات غیرنظامی، عملاً زمینه‌ساز آتش‌سوزی در حیفا، حبشان، الرویس، سیتره شعیبه را خود فراهم آورد. ما از ابتدا اعلام کرده بودیم که هر تعرضی به اهداف غیرنظامی با پاسخ مضاعف به منافع دشمن در هر نقطه از منطقه روبه‌رو خواهد شد؛

در صورت تکرار حمله به اهداف غیرنظامی مرحله دوم این عملیات، بسیار کوبنده‌تر و گسترده‌تر اجرا خواهد شد و ضررها و خسارات آنها در اصرار بر این رویکرد دو برابر خواهد بود. چون علاوه بر عملیات تلافی جویانه ای که خواهیم داشت، در آینده نزدیک حتماً و قطعاً خسارت آنچه را که متجاوزان تخریب کرده اند را از آنها خواهیم گرفت و مالیات دهندگان آمریکایی مجبور خواهند بود خسارات این تهاجمات غیرقانونی را بپردازند.

در پایان سپاه پاسداران تصریح کرد: مجدداً تکرار می‌کنیم اگر باز هم شرارت کنید و تأسیسات غیرنظامی را بزنید، پاسخ‌های ما کوبنده‌تر خواهد بود.

یادداشت

مهدی پاک آئین/دیپلمات پیشین

شکست ماموریت آمریکا در ایران

حادثه اخیر، که طی آن بالگردهای آمریکایی برای یافتن خلبان هواپیمای خود وارد حریم هوایی ایران شدند، با وجود بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین تجهیزات الکترونیکی و هوش مصنوعی، در برابر سامانه‌های دفاعی جمهوری اسلامی ناکام ماند و سقوط کرد. این رویداد یادآور حادثه طبس است؛ زمانی که آمریکایی‌ها در تلاش برای آزادسازی جاسوسان لانه جاسوسی، بالگردهای خود را به ایران اعزام کردند و در طبس زمین‌گیر شدند. آن زمان، قدرت الهی به واسطه باد و طوفان آشکار شد و امروز نیز این قدرت در بازوها و توانمندی‌های رزمندگان اسلام و سامانه‌های دفاعی کشور متجلی گردید. ما شاهد شکست دیگری برای ایالات متحده در این عرصه بودیم؛ شکستی که موجب حیرت و تأسف محافل جهانی و رسانه‌های خارجی شده و هیبت این کشور را بیش از پیش تضعیف کرده است.درخصوص وضعیت فعلی، به نظر می‌رسد که ایالات متحده، پس از بیش از سی روز مواجهه نظامی با ایران و ناکامی در تحقق اهداف خود، به همراه رژیم صهیونیستی، تلاش دارد از مسیر عملیات روانی و تهدیدات، به‌منظور ایجاد یأس و تزلزل در روحیه مردم ایران و رزمندگان اسلام بهره گیرد؛ تلاشی که قطعاً موفق نخواهد بود. واقعیت این است که دولت ترامپ با مشکلات داخلی و خارجی جدی مواجه است. در داخل کشور، مخالفت‌های مردمی به وضوح در تظاهرات میلیونی نمایان شد و برخی مقامات دولتی نیز با سیاست‌های او مخالفند؛ استعفاها و برکناری‌ها مؤید این امر است.در قوه مقننه نیز، بسیاری از اعضای مجلس نمایندگان، به ویژه تمامی دموکرات‌ها و شماری از جمهوری‌خواهان، با سیاست‌های دولت ترامپ مخالفاند. فشارهای داخلی بر این دولت بسیار سنگین است و احتمال باخت حزب جمهوری‌خواه در انتخابات پیش رو و تأثیر آن بر آینده انتخابات ریاست جمهوری، افزایش یافته و زمینه ورود دموکرات‌ها با قدرت بیشتر به عرصه سیاسی را فراهم می‌آورد.در عرصه بین‌الملل نیز، آمریکا موفق به ایجاد اجماعی علیه ایران نشده است. حتی متحدان اروپایی، به ویژه انگلیس، به خواسته‌های این کشور پاسخ مثبت نداده‌اند و در منطقه خلیج فارس و میان کشورهای عربی نیز وحدت قابل توجهی شکل نگرفته است. مجموع این شرایط، سختی اوضاع را برای دولت ترامپ و شخص او روشن می‌سازد و علت متوسل شدن به اقدامات روانی و عملیات تبلیغاتی نیز روشن می‌گردد.

یادداشت

سیدرضاصدرالحسینی/کارشناس مسائل بین‌الملل

جنگ ایران و تحول در نظام بین‌الملل

با گذشت بیش از یک ماه از آنچه «جنگ سوم تحمیلی» علیه ملت ایران خوانده می‌شود، نشانه‌هایی از تحول در معادلات روابط بین‌الملل آشکار شده که به‌ندرت می‌توان مشابه آن را در یک قرن اخیر یافت. این تحولات، به‌ویژه در چارچوب عملکرد نظام سلطه و در رأس آن ایالات متحده، واجد ابعاد تازه‌ای است که ریشه‌های آن را می‌توان در تحولات ماه‌های اخیر، از جمله بحران‌های ناشی از جنایات رژیم صهیونیستی در غزه، جست‌وجو کرد.در این میان، بررسی میادین مختلف از حوزه‌های نظامی و دفاعی گرفته تا عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای نشان می‌دهد که این تقابل، صرفاً محدود به میدان نبرد نیست، بلکه به سطحی گسترده‌تر از مواجهه راهبردی ارتقا یافته است. شکاف‌های ایجادشده در ساختار نظامی و سیاسی رژیم صهیونیستی، اختلاف‌نظرهای فزاینده در میان فرماندهان و نخبگان آمریکایی و چنددستگی در فضای رسانه‌ای غرب، همگی نشانه‌هایی روشن از این وضعیت جدید به‌شمار می‌روند.در حوزه توانمندی‌های دفاعی، بروز و نمایش ظرفیت‌های پهپادی و پدافندی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در روزهای اخیر، موجب شگفتی ناظران و تحلیلگران شده و بر عمق شکاف‌های موجود در ساختار تصمیم‌گیری غرب افزوده است. این مسئله، در کنار فشارهای اقتصادی فزاینده که همچون کوه یخی تنها بخشی از آن نمایان شده، شرایط پیچیده‌تری را برای طرف مقابل رقم زده است.از منظر نظری نیز، تحولات اخیر توجه برخی اساتید و پژوهشگران روابط بین‌الملل در غرب را به خود جلب کرده است؛ به‌گونه‌ای که برخی از آنان این رخدادها را زمینه‌ساز بازنگری در مبانی تحلیلی این رشته می‌دانند. در همین چارچوب، نقش نقاط راهبردی همچون تنگه هرمز و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، در تحلیل‌های اقتصادی غربی برجسته‌تر شده و حتی به‌عنوان یکی از نشانه‌های تسریع روند افول قدرت غرب، به‌ویژه ایالات متحده، مورد توجه قرار گرفته است.در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت که هم‌زمانی تحولات در حوزه‌های مختلف از حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل گرفته تا توانمندی‌های دفاعی چشم‌اندازی مبهم و تا حدی نگران‌کننده برای آینده نظام بین‌الملل از نگاه برخی متفکران ترسیم کرده است. واکنش‌های مقامات آمریکایی، از جمله اظهارات چهره‌هایی چون دونالد ترامپ، و همچنین تلاش برای بهره‌گیری از جریان‌های همسو در داخل ایران، را نیز می‌توان در همین چارچوب تحلیل کرد.اما پرسش اساسی آن است که ریشه این تحولات در کجاست و چه خطایی در محاسبات طرف مقابل رخ داده است؟ به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل، غفلت جریان لیبرال‌دموکراسی غرب از نقش مردم ایران و عدم شناخت عمیق از پیوند میان جامعه و انقلاب اسلامی بوده است. این غفلت، طی سال‌های گذشته به تحلیل‌های نادرست و تصویرسازی‌های غیرواقعی انجامیده و بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی ایران را به حاشیه رانده بود.در تحولات اخیر، این واقعیت اجتماعی خود را به‌وضوح نشان داده است. حضور و حمایت مردم از نظام جمهوری اسلامی و جریان مقاومت، نه‌تنها معادلات داخلی بلکه برآوردهای خارجی را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است؛ تا جایی که حتی برخی مقامات آمریکایی و صهیونیستی نیز به عدم پیش‌بینی این سطح از حمایت مردمی اذعان کرده‌اند.بر این اساس، می‌توان گفت مهم‌ترین مؤلفه در فهم تحولات جاری، توجه به نقش بی‌بدیل مردم در ساختار قدرت جمهوری اسلامی است؛ عاملی که ریشه در اندیشه‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و تداوم آن در رهنمودهای رهبری دارد و اکنون، بیش از هر زمان دیگری، اثرگذاری خود را در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی نشان داده است.